

وحدت اسلامي در چارچوب تفسير و رويکردهايش

وحدت اسلامي در چارچوب تفسير و رويکردهايش

دکتر علي رمضان الاوسي

استاد تحصيلات تکميلي دانشگاه جهاني علوم اسلامي لندن

وحدت اسلامي در چارچوبهاي تفسير و رويکردهايش

با نزول قرآن کریم نیاز به تبیین و توضیح آن به وجود آمد و پیامبر صلي الله عليه و آله به عنوان اولین معلم در این امر خطیر بود و خداوند منزله در آیه ای به آن اشاره کرده است:

(وانزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل إليهم ولعلهم يتفكرون) : (این قرآن را به سوي تو فرود آوردیم، تا براي مردم آنچه را به سوي ایشان نازل شده است توضیح دهی)

پیامبر خدا (صلي الله عليه و آله) به تبیین کل قرآن پرداخت به عبارت دیگر برای مردم آیات را که نیاز به تفسیر آن داشتند، تفسیر می کرد و زمانی که مسلمانان از او سوالی می کردند پاسخ می داد، و

همراه با آن آیات را برای گروه خاصی از مردم به تفضیل بیان می‌کرد، بنابراین آیه‌ای از آیه‌های قرآن نبود جز اینکه پیامبر (صلي الله عليه و آله) به تشریح آن پرداخت و بدون آن قرآن برای مردم حجت نمی‌شد.

این تحقیق به دو بخش تقسیم شده است:

1. چارچوبها و روشهای تفسیر

2. قرآنیان و نقش آنها در گسترش فرهنگ تقریبی قرآنی

بخش اول: تفسیر مآثور اولین نوع تفسیری بود که ظهور کرد و شامل تفسیر بعضی از آیات خود قرآن برای بعضی دیگر و آنچه که از رسول صلي الله عليه و آله و اهل بیت و صحابه و همچنین تابعین نقل شده است، می‌باشد.

درباره آنچه که از صحابه و تابعین نقل شده است اختلاف نظر وجود دارد، بعضی آنها را در شمار تفسیر مآثور می‌آورند و بعضی دیگر آنها را در شمار تفسیر به رای می‌دانند و گروهی در تفسیر به گفته تابعین استناد می‌کنند زیرا تابعین بیشتر تفسیراتشان را از صحابه دریافت کرده‌اند. در این میان ابن تیمیه با گفته‌های تابعین مخالفت می‌ورزد و می‌گوید: بی تردید این سخنان برای مخالفان حجت نیست، اما اگر بر چیزی اجماع کردند قطعاً حجت است، و اگر اختلاف کردند گفته بعضی بر بعضی دیگر و بعد از آنها حجت به حساب نمی‌آید و باید درباره آن به زبان قرآن یا سنت یا زبان عمومی عرب یا گفته‌های صحابه مراجعه کرد.

جامع البیان طبری به عنوان بهترین تفسیر مآثور نزد مفسرانی بود که به تفسیر نقلی اهتمام می‌ورزیدند، از این رو امتیازی که طبری بر مفسران اثری دارد، این است که سخنان را به طور پیوسته و سلسله وار به صاحبانش اسناد می‌دهد و بر روایت رسول (ص) و صحابه و تابعین تکیه دارد.

با وجود اینکه سیوطی در تفسیرش (الدر المنثور) سند آثار را حذف کرده است اما با تلاشی که او در زمینه تفسیر مآثور کرده است به عنوان احیا کننده تفسیر مآثور به شمار می‌رود، پس از اینکه تفسیر به رأی با مطالعه فرهنگهای مفسران رونق گرفت و از مترجمان متفکر تاثیر پذیرفت.

قابل ذکر است که برخی از مفسرین نقل قصه‌های نبوی و قصه‌های امت‌های گذشته را گسترش دادند و درباره آنها به اهل کتاب استناد می‌کنند زیرا قرآن کریم زیباترین کلمات را درباره آنها گفته است، و هدفش از بیان آنها آگاهی و عبرت گرفتن از سنت الهی در جامعه انسانی است. خداوند متعال در قرآن فرمود: (وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلَّذِينَ لِمَنْ هُمْ مِنْكُمْ) ([1]): (هر سرگذشتی از سرگذشت‌های رسولان، آنچه را که دلت را با آن استوار کنیم، برای تو باز می‌گوییم و در این سوره حق کامل و پند و تذکاري ویژه اهل ایمان بر تو آمد).

ابن خلدون به توجیه این روایتها به این اعتبار که دینی و اجتماعی بودند می‌پردازد، در آن زمان بر جهان عرب صحراننشینی و بی‌سوادی حاکم بود و علاقه مند به شناخت چیزی بودند که آنها را به شوق بیاورد، مانند جستجو در علت وجود، آغاز خلقت، اسرار وجود، و آنها در این مورد فقط از اهل کتابی که قبل از آنها بودند سوال می‌کردند، از نظر اعتبار دینی این منقولات ارتباطی به عقیده و احکام ندارد و مفسران درباره آنها مسامحه کرده‌اند و تفاسیرشان را از نقل قول‌های عامه اهل تورات انباشته‌اند. و از جمله کسانی که در این باره به تفصیل پرداخته است احمد بن محمد ابراهیم ثعالبی نیشابوری (ت 427 هـ) در کتابش (التفسیر الکبیر) است.

اما از نظر امامیه مآثور شرح و بیانی است که در قرآن کریم آمده و از رسول اکرم ص و امامان اهل بیت نقل شده است، شیخ ابو جعفر طوسی (ت 460 هـ) گفت: پیامبر (ص) بر قرائت قرآن و تمسک گرفتن به آنچه که در آن است تشویق کرد، و اختلاف نظرانی را که در فروع آن وجود دارد پاسخ داد. و افزود: اصحاب ما یعنی امامیه گفته‌اند که تفسیر قرآن فقط با تاثیر صحیح از پیامبر صلی الله علیه و آله و آئمه (علیهم السلام) جایز است، کسانی که گفته‌شان چون پیامبر (ص) حجت است. و آن به سبب وصیتی است که پیامبر (ص) درباره آنها کرده است و به تواتر نقل شده است: (إني تارك فيكم ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي أبداً؛ کتاب الله وعترتي أهل بيتي، وانهما لن يفترقا، حتي يردا عليّ - الحوض)

اما آنچه که از صحابه و تابعین نقل شده است به ذات خود حجت نیست. از تفاسیر امامیه اثریه می‌توان (تفسیر محمد بن مسعود عیاشی) و (تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی) و (تفسیر علی بن ابراهیم قمی) را نام برد.

تفسیر مآثور با تالیف اسرائیلیات (روایات یهود و مسیحیت) به ضعف گرایید همچنین حذف اسناد بعد از تفسیر طبری در آن سهم بود و آن سبب مختصر گویی بعضی از مفسران چون البغوی فراء (ت 510 هـ) و ابن

اثير (ت 774 هـ) و سيوطي (ت 911 هـ) شد، سيوطي در مقدمه كتابش (الدر المنثور) مي‌گويد: (وقتي كه كتاب ترجمان القرآن را كه تفسير مسند از پيامبر صلي الله عليه و سلم و يارانش است در دو جلد تاليف كردم، هر چه را كه از تفسير اثيري در آن وارد کرده بودم با استناد به كتابهايي بود كه در اين زمينه بود در تمامي آن احاديث قصور و اختصار در متن حديث بدون اسناد و تفصيل بود، از اين رو اين مختصر را از آنها به صورت مضمون اثيري و مختصر استخراج كردم به عنوان منبعي كه از همه كتابهاي معتبر در آن تلخيص شده و آن را " الدر المنثور في التفسير بالمأثور" ناميدم.

بنابراين در مسير تفسير اثيري مضامين بايد روايت شده و نظر مفسران گذشته لازم باشد و در منابعشان: خود قرآن، سنت معصوم، زبان، زمان و مناسبت نزول و امثال آن كه برخاسته از اثر و اندكي اجتهاد است، آشكار است.

تعريف تفسير به رأي: رأي در لغت بر عقیده و قياس و اجتهاد اطلاق مي‌شود و اهل قياس جزء اصحاب الرأي به شمار مي‌آمدند زيرا آنها نظرشان را عاري از حديث يا اثر ارائه مي‌کردند.

و منظور از آن در اينجا تفسير اجتهادي قرآن است. تفسير به رأي به عنوان يك روش تفسيري پس از تفسير اثيري ظهور كرد، اگرچه تلاشهايي از سوي برخي از مسلمانان صورت گرفته كه نشان مي‌دهد آنها در تفسير از رأي استفاده كردند به خصوص اگر به بررسي يكي از منابع تفسيري در عصر صحابه، كه آغاز اجتهاد و استنباط بود، و عصر تابعين بپردازيم كه در گذشته بيان شد.

بعضي از محققان به بيشتر از آن اعتقاد دارند و مي‌گويند ممكن است در عصر نبوت نيز رواج داشته است، برخي از مسلمانان به طور فطري به قرآن روي آوردند و زماني كه ديدار پيامبر(ص) برايشان ميسر نمي‌شد نظر خود را در آن اعمال مي‌کردند، از اين رو در اين دوره كساني بودند كه قرآن را تفسير به رأي مي‌کردند.

ولي تفسير به عنوان يك علم و نياز با رسول خدا(ص) به وجود آمد و رواج يافت و پس از اينكه پيامبر به تبیین آن در میان امت پرداخت تا حجتی بر مردم باشد، از ویژگی اثيري برخوردار شد و از آنجا روشهاي تفسير گسترش يافت و راههاي آن با توجه به تاريخ اين علم، متنوع شد. بنا بر اين تمام انگيزه‌ها و شرايطي كه پيدايش اين علم را مي‌طلبيد حاكي از اين است كه پيامبر(ص) در پرتو اين نياز به تفسير قرآن پرداخت و حتي تفسير يك آيه از مسلمانان پوشيده نماند.

و اینچنین مسلمانان از روش پیامبر در بیان معانی قرآن کریم استفاده بردند و از علومش به ویژه در گرایشهای اولیه تفسیر، سیراب شدند، بعدها همراه با گسترش روشها و رویکردهای تفسیری دانشمندان قرآن ضوابط و شروطی را برای مفسران تنظیم کردند تا امامت قرآنی در بیان معانی قرآن کریم متصل به امامت پیامبر و عصمت مطهر باشد.

با توجه به این شاخصها، به طور خلاصه می‌توان گفت که فرصتهای نزدیکی و وحدت بر تفسیر این قرآن جاوید حاکم و غالب است و کسی که از آن تجاوز کند باید برای ادعای خود دلیلی بیاورد.

بر اساس این تاکید آشکار باید به اصل وحدت و اختلاف توجه شود تا فعالیت‌های تقریبی و تلاشهای وحدت اسلامی در انجام واجبات این امت عمل کند به ویژه از جهت چالشهای بزرگی که بدون استثنا موجودیت این دین و همه مسلمانان را تهدید می‌کند و اجتهادات در چارچوب احترام و تقدیس امت نیکوکار باقی بماند.

چارچوبها و رویکردها:

روش: مجموعه اصول و قواعدی است که مبتنی بر واکاوی نص قرآنی و تبیین معنایش و معرفی نتایجش می‌باشد.

رویکرد: مجموعه دستاوردها و نتایج تفسیری است که از طریق روش به وجود می‌آید.

این روشها و رویکردها با پیدایش تفسیر عقلی یا تفسیر به رأی و تفسیری که از جهتی تفسیر مأثور و از جهتی دیگر مبتنی بر قواعد و اصول عقلی با استفاده از روش تدبر قرآنی است. خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است: (أفلا يتدبرون القرآن أم علي قلوب أقفالها): (آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند یا اینکه بر دلهایشان قفل‌هایی است)

در این فراوانی روشها و رویکردهای تفسیری مشکلی وجود ندارد تا زمانی که نص قرآنی مایه رحمت و پاسخگوی سوالات و شبهات و مدافع وحدانیتی است که خداوند برای انسانها در این هستی گسترده اراده کرده است.

امت اسلامی اخیراً با مشکلات بزرگی در زمینه اعتقادی و فکری و رفتاری مواجه شده است که دین را در بعضی از عرصه‌ها به دلیل کوتاهی و قصور مدافعانش می‌لرزاند، با وجود آن مفاد قرآنی چون سوارکار شجاعی است که هر زمانی که از استنطاق شود پاسخ می‌دهد، و مشکل عمده در قرائت و بررسی و تفسیر آن وجود دارد که سبب برانگیختن بسیاری از اختلافات شده است ولی محتوا یکی است که از جانب خداوند یکتا برای ایجاد اعتقاد واحد و شکل‌گیری امت واحد نازل شده است بنابراین چطور به خودمان اجازه می‌دهیم که از این وحدت به عنوان هدف والا در قرآنی که همه پژوهشگران برای واکاوی و تعامل با آن جمع شده‌اند، روی گردان شویم، در اینجا به برخی از ضروریات موجود در قرآن درباره اتحاد و نزدیکی میان مسلمانان، در قالب نکته‌هایی اشاره می‌کنیم:

1. قرآن منبع رحمت است، وقتی که مفسران با محتوای گرانقدرش مواجه می‌شوند، همگان با پذیرش آن به تامل در آن و تفسیر آیاتش می‌پردازند سپس آن را در اجتماع منتشر می‌کنند، همه فاریان قرآن بدون هیچ تبعیضی از کرامتهای قرآن برخوردار می‌شوند به عبارت دیگر هرکس که قرآن را تلاوت کند قطعا از مضمون آن و معانی اش سود می‌برد و این وجه مشترک موثری برای کسانی است که آن را تفسیر و تبیین می‌کنند.

2. نیازهای مردم مدرن با همه خصایصشان انگیزه دیگری است که سبب واکاوی قرآن کریم و استنباط احکامش و دیدگاه‌هایش می‌شود زیرا قرآن به عنوان اولین منبع قانون است.

3. در برابر مشکلاتی که دشمنان از طریق شبهات و وارونه کردن حقایق و گمراه ساختن افکار و نشانه گرفتن فکر مسلمان وارد می‌سازند، مفسران تنها راه مقابله و خنثی کردن این مشکلات را قرآن کریم و استدلال به آن می‌دانند و این زمینه دیگری است که سبب وحدت می‌شود حتی اگر روشهای تفسیر متعدد باشد.

4. از جعل قرآن کریم به عنوان اولین منبع قانون جلوگیری شد و زمانی که قانونها در کشورهای اسلامی وضع شد، مسلمانان تلاش کردند که یک روش را بعد از آمدن کتاب خداوند داشته باشند و برای هدف واحدی که بالا بردن نقش قرآن در قانون کشورهای اسلامی صرف نظر از گرایشهای مذهبی در مکانهای مختلف بود، بکوشند.

5. کتابی که همه مسلمانان بر آن اجماع دارند قرآن کریم است و این جایگاه آنها را در جان مردم و تاثیرش را در عقول و نقش اش را در شکل‌گیری انسان و جامعه افزایش می‌دهد، بنابراین مسلمانها در

امر معیني با یکدیگر متفق اند و این اشتراک قرآني دیگری است که پیرامون آن روشها و راهکارهاي تفسيري به وجود آمده است.

6. تنوع فكري گسترده در قرآن کریم سبب جذب بیشترین تعداد ممکن از پژوهشگران در این عرصه شد، قرآن کریم سبب ساماندهي تلاشهاي فكري شان مي شود و آنها را در مسیر وحدت و نزديکي به یکدیگر هدايت مي کند و این انگیزه دیگری است که افکار را، از جهت اشتراک در منبعي که به آن متکی اند، به هم نزديک مي کند.

بنا بر این قرآن کریم بر ساماندهي افکار و پیراستگي اخلاق و شکل گيري جامعه تجميع شده است و کسي که بخواهد در این عرصه ها وارد شود باید از سفره قرآن کریم بهره بگیرد، به واکاوي در مفاهيم گرانقدرش پردازد و در تبیین آن از روشهاي تفسيري استفاده کند و این وجه مشترک دیگری است که بر آن متفقيم، ممکن است کسي روشي را در تفسیر به کار گیرد و دیگری روش دیگری را اعم از تجزيئي یا موضوعي به کار بگیرد، و هر چه از ویژگیهاي لغوي یا کلامي یا فلسفي و غیر آن بر تفسیر غلبه کند همچنان همه مفسران را با یکدیگر متحد نگه مي دارد.

بخش دوم: قرآنيان و تلاشهايشان در گسترش فرهنگ تقریبي قرآن

مقصود از قرآنيان:

ابتدا لازم مي آید تا معنا و منظور از قرآنيون مشخص شود تا از آن اصطلاحي که اخيرا در باره گروه قرآنيون در آمریکا به وجود آمده است، دوري شود. آنها کسانی اند که فقط بر قرآن کریم تکیه مي کنند و سنت را رها مي کنند و تفسيرهاي قرآني عجیبي دارند که سبب انحراف روش تفکر قرآني مي شود.

و قطعاً منظور از قرآنيون کسانی اند که به وظیفه اصلي خود که انتشار فرهنگ قرآني با استفاده از نفوذ خودشان، و در عرصه هاي مختلف میان مردم است عمل مي کنند و روح قرآني را در وجود و رفتار و فکر شان منتشر کنند و گرنه نمی توانند آنطور که قرآن که سخن خداوند مجید است، خواسته است محتوای قرآني را نشان دهند.

بنا بر این آنها کسانی اند که اهداف سخن قرآنی را درک نمی‌کنند و از روشهای تفسیر صحیح قرآن کریم بهره نمی‌برند و سنت شریف را رها نمی‌کنند و از آنچه که عالمان اولیه، کسانی که روشهای تفسیر قرآنی را برایمان ترسیم کردند، کمک نمی‌گرفتند، یاری نمی‌جستند.

فرهنگ قرآنی:

فرهنگ قرآنی مجموعه معلومات و اطلاعات قرآنی است که با علم تفسیر و علوم مختلف قرآنی شکل می‌گیرد و گرایشهای تفسیری ایجاد می‌کند، مانعی که بتواند از این دستاورد قرآنی جلوگیری کند وجود ندارد و از طریق قواعد تفسیر و ضوابطش گسترش می‌یابد، نمی‌توان آنطوری که تولیدات بشری را توصیف می‌کنند به توصیف معلومات قرآنی به عنوان فرهنگی انسانی پرداخت، زیرا از مضمون مقدسش به معانی و افکار و نکته‌هایی اشاره می‌کند که نمی‌توان آن را با تلاش مطلق بشری تطبیق داد. لذا نمی‌توان واژه فرهنگ قرآنی را نام برد و منظور از آن همان معنای فرهنگی باشد که در فعالیت‌های روزانه مان استعمال می‌شود. بنا بر این فرهنگ قرآنی مجموعه مفاهیم و معلوماتی است که شامل تأمل و بررسی علوم قرآنی است.

چرا مسئولیت انتشار قرآن را به عهده می‌گیریم:

1. اول اینکه قرآن کریم به ما دستور می‌دهد که به تبلیغ دینی و تشریح مضمون قرآن بپردازیم.

خداوند منزه در قرآن فرمود: (هذا بلاغ للناس ولينذروا به وليعلموا انما هو إله واحد وليذكر اولوا الالباب): (این قرآن پیام روشنی برای مردم است، و برای اینکه بدان انذار شوند و بدانند که تنها او معبود یگانه است، و تا صاحبان خرد پند گیرند). (سورة ابراهيم: 52)

و آیات بسیاری که در تبلیغ کتاب خداوند برای مردم این اجبار را به وجود می‌آورد.

2. از جهت دیگر خطرهایی جدی وجود دارد که امت و انسان را با هم در معرض انحراف قرار می‌دهد و سبب

نابودي ساختار اجتماعي جامعه مسلمان مي‌شود، در مقدمه اين تهديد‌ها هدفشان فکر مسلمان و گسترش فرهنگهاي غريب با واقعيت اسلامي است که اين تلاش بيشتري را براي مواجهه با اين تهديد‌ها از طريق تبليغ فرهنگ اصيل اسلامي و درک اصيل قرآني از انسان و واقعيت و رويدادهاي کلي و تحولات اجتماعي و سياسي و اقتصادي و فرهنگي و غير آن را مي‌طلبد.

3. جهان اسلام، به ويژه در دو قرن گذشته ميلادي، شاهد مبارزات فکري و حمله‌هاي انتقادي و تشويش تفکر اسلامي بوده است، و اين مبارزات روشهاي مختلفی به خود گرفته است، در اين راستا تبليغ مسيحيت نقش بزرگي و موثري در جوامع اسلامي داشته و به ترويج افکار ملحد و اباحي گري براي تضعيف نقش دين در جامعه مي‌پرداخت، در برابر اين خطرها علماي امت و دانشمندان مسئوليت واکنش با اين تهمتها و مبارزات تخريبي و حمله فرهنگي و سياسي را به عهده گرفتند و سلاح دانشمندان ما نص قرآني بود که سبب بيداري آنها شد و بسياري از نقشه‌هاي دشمنان خنثي شد تا جايي که غلادستون گفت: (تا وقتي که اين قرآن در اختيار مسلمانان باشد اروپا نمي‌تواند بر شرق مسلط شود و خودش هم در امان نيست)

4- قرآن کریم بهترین و بي نظيرترين سرمايه براي مسلمانان با مذهبهاي مختلف است و اين اشتراک بزرگ مي‌طلبد که توجه بيشتري به مضمون قرآن و خود مسلمانان، کساني که نقشه‌هاي تفرقه آميز و اختلاف در یک دين و یک مذهب آنها را نشانه مي‌گيرد، داشته باشيم، بنا بر اين هر کس بر اساس موقعيت و مسئوليت و علم و دانشش عهده دار اين مسئوليت خطير براي تبليغ نور رسالت محمدي شود، از اين رو عهده دار تبليغ قرآني مي‌شويم تا به هدفمان که بازگرداندن جاگه قرآن براي اين امت نیکوکار است دست يا بيم و قرآن آنها را اينچنين وصف کرده است:

(کنتم خير امة أخرجت للناس): شما بهترين امتي بوديد که براي مردم پديدار شديد.

انطباق روشهاي تفسير قرآني معاصر با واقعيت :

امروزه و در اين عصر جديد و در سايه تحولاتش نمي‌توان تفسير قرآن کریم را منحصر در تحقيقات آکادمي قرار دهيم يا روشهاي تفسيری معيني را که به اطلاعات قرآني و نيازهاي فرد و جامعه مسلمان و حتي قانون در مسائل متغير و قابل انعطاف توجه نمي‌کند، اختيار کنيم.

لذا مفسران جدید به روش موضوعی در تفسیر آگاهی یافتند و شهید سید محمد باقر صدر (رضوان الله علیه) از مشهورترین کسانی بود که این نوع از تفسیر را با وجود کم بودن نتایج تفسیری اش به عهده گرفت و به علت مرگ غیر منتظره ای که سراغش آمد به امت اسلامی اجازه نداد تا از این منبع سرشار مستفید شوند و در نتیجه جهان اسلام بلکه تمام عالم انسانی را از این نعمت گرانقدر محروم کرد.

با وجود همه اینها ما در برابر مکتب جدید و تفکرات جدید در بررسی مفاد قرآنی مواجهیم به طوری که شهید صدر از کسانی که قصد بررسی و استنطاق قرآن کریم را دارند دعوت می‌کند که اولاً: خود قرآن را بخوانند و به واکاوی آنچه که در آن است بپردازند سپس نتایج آن را به قرآن کریم و به ویژه منابع قرآنی مرتبط با موضوع معین عرضه کنند و سپس به تبیین آن بررسی برای ارجاع دوباره آن به مردم بپردازد.

این روش موضوعی تفسیر افقهای گسترده ای برای ایجاد مطالعات قرآنی در عنوانها و موضوعات مختلف فراهم می‌کند از جمله اینکه مسلمانان را بر ایستادگی در برابر تحریکات دشمنان یاری می‌کند، و این نیازمند این است که میان مفسران و مصلحان اتحادی ایجاد شود تا این روش قرآنی که در رد شبهات و ایجاد نظریه‌های اسلامی از آن کمک می‌گیرند سبب وحدت آنها شود.

وضعیت مقایسه ای :

روش موضوعی ای که شهید صدر (رضوان الله علیه) در پیش گرفته و آن را گسترش داده است دارای تفاوت آشکاری با دیگر مفسران است، اواز طریق این روش موضوعی در تفسیر به تبیین مطالعات قرآنی می‌پرداخت، روشی که دیگر مفسران آن را به کار گرفته‌اند ولی نه به این حد عمیق و هدفمند، و درباره بررسی های درباره ثروت و مال باید اشاره کنیم که شهید صدر توانست درباره دارایی انسان و ثروت عمومی پژوهشهای اقتصادی آشکاری را انجام دهد در حالی که تلاشهای مکتب سید جمال الدین در مصر و شاگردش رشید رضا و محمد عبده در بررسی موضوع مال و ثروت شامل دو بعد است:

1. اهمیت انفاق و تاثیر اجتماعی اش

2. تاکید بر بعد روانی و اخلاقی در مساله انفاق

این کوشش با وجود اهمیتش برای ارائه نظریه اقتصادی و اسلامی فراگیر مناسب نبوده است در حالی شهید صدر(رض) توانست مذهب اقتصادی اسلامی را تاسیس کند که به نقد مکتب‌های اقتصادی بزرگ امروز بپردازد و کتابش با عنوان (اقتصادنا) و دیگر تحقیقاتش در همان موضوع به عنوان کشف مهمی برای این نظریه‌های اصلی به شمار آید، با وجود آن باید این راه برای پژوهشگران برای گسترش این دستاوردهای‌های با برکت باز باشد.

بنابراین این رویکرد در تفسیر نزد مکتب صدریه و مکتب سید جمال الدین، هر دو، اثر بارزی در آنچه که ما تفسیر اجتماعی قرآن می‌نامیم داشته است. و این گام بزرگی برای تاسیس دایرة المعارف اجتماعی قرآنی و به عنوان طرحی از طرح‌های وحدت و نزدیکی است به ویژه زمانی که در تحقیق علمی و ارائه دیدگاه بر مشترکات و روش‌های مشترکی مبتنی است.

این نوع از تفسیر در تلاش‌های مفسران بی سابقه نبوده و از اصول و قواعد تفسیری‌ای که قرآن پژوهان به عهده گرفته‌اند منحرف نشده است، بیان این نوع از تفسیر که ما در جهان معاصرمان بیشترین نیاز به آن را داریم، توضیح مبسوطی را می‌طلبد و ما در تحقیقاتی دیگر به بررسی آن می‌پردازیم که قسمتی از آن را در کنفرانس بزرگداشت شیخ محمد جواد بلاغی(ره) که چندین سال پیش در قم برگزار شد، قرائت کردم.

دایرة المعارف قرآنی و اجتماعی تقریب

این دایرة المعارفی که می‌خواهم از آن سخن بگویم از مهمترین آثاری است که مبلغان قرآن کریم و قرآن پژوهان به گسترش مفاهیم و شناخت آن توجه می‌کنند.

منظور از دایرة المعارف اجتماعی: عبارت است از گردآوری علمی و اطلاعاتی از هر پژوهش قرآنی در کتاب‌های تفسیر و مقالات و کنفرانسها و کتابها و تالیفاتی که صاحبانش به جا می‌گذارند که این کار نیازمند تلاش‌های فراوانی برای معرفی آنها به منظور چاپ در دفتر قرآنی است. به ویژه بررسی‌هایی که از طریق استدلال قرآنی به وحدت و تقریب می‌پردازند.

این دایرة المعارف برای کامل شدن به چه چیزهایی احتیاج دارد؟

دفتر قرآنی به این دایرة المعارف اجتماعي تقریبي قرآن کریم نیازمند است و می‌تواند با ویژگی‌هایی زیر به موسسه‌ای که برگزار می‌شود طرح‌هایی را ارائه کند :

1. مطالعه موضوعاتی که در زمینه تفسیر و غیر آن به طور قرآنی بررسی شده است، به ویژه موضوعات دارای ویژگی تقریبي.
 2. تقسیم بندی موضوعات، به طوری که مقالات و تحقیقات متنوع و فراوانی وجود دارد که در آنها مسائل اجتماعي یا اقتصادي یا سياسي یا فرهنگي و غیر آن از منظر اندیشه قرآنی بررسی شده است.
 3. مرتب کردن این موضوعات در چارچوب موضوعات و حروف ابجدی و این دایرة المعارف برای سالهای آینده باز بماند تا به ترتیب بخش‌ها چاپ شود.
 4. تلاش برای وارد کردن این موضوعات در کامپیوتر از زمان آغاز کار.
 5. بهتر است که برخی از دانشجویان متخصص در امور اجتماعي، اقتصادي، سياسي و فرهنگي برای نظارت بر این بخشها فعالیت کنند.
- این دایرة المعارف بخش بزرگی از این تلاش قرآنی تقریبي سودمند با هدف انتشار آن در میان مردم است و جاهای خالی زیادی خواهیم یافت که نیازمند این است که پر شود و به برای پر کردن این جاهای خالی به اصولی واقعی نیاز داریم.

مسئولیت‌های آینده در انتظار قرآنیان برای انتشار فرهنگ قرآنی تقریبي است:

1. با دقت در نسل جدید و میزان تحملشان بر این مسئولیت و محافظت از آنها در برابر مشکلاتی که درباره اصول این کتاب الهی در انتظارشان است و تلاش برای بد نشان دادن مفاد قرآنی در افکار این نسل، تلاش‌های صورت گرفته در مسیر تاسیس مدارس حفظ و تجوید و قرائت قرآن کریم اهمیت زیادی در نجات از این بحران دارد، و همه آنها فعالیت‌هایی است که در قالب تلاش تقریبي مسلمانان قرار دارد.
2. چالش‌ها علیه قرآن کریم روش‌های پیچیده‌ای به خود گرفت تا جایی که برخی به تلاش‌های مفسران قدیمی توجهی نکردند، امت باید از بند این تفسیرها آزاد شود و اصولی را که پژوهشگران در تفسیر قرآن

کریم اعمال می‌کنند انکار شود زیرا انواع مختلفی از نوگرایی، کفرگویی، بی ارزش کردن حقیقت و وارونه کردن عدالت ظهور کرده است مانند تفاسیری که از محمد عیتانی وارد شده است که در آنها قرآن را با روش مناظره و جدل تفسیر کرده است و کوششهای نصر حامد ابو زید و شحرور سوری و جابر عصفور و غیره که از جهتی به وحدت مسلمانان و نظریه اصیل قرآن کریم لطمه می‌زنند.

در اینجا تاکید می‌شود که مسئولیت با کسانی است که در درک مضمون قرآنی مهارت دارند که این فعالیتها را با روش علمی موثری تبلیغ کنند و فرهنگ اصیل قرآنی را که از بررسی صحیح قرآنی به وجود می‌آید گسترش دهند.

3. در کتابخانه مسیحیان کتابهایی منتشر شد که بعضی از آنها بر تناقضات ظاهری میان آیات قرآن تاکید می‌کنند و مفسران به تحلیل آنها پرداخته‌اند ولی نتوانستند آنها را وارونه کنند و به اعجازیت قرآن کریم ضربه بزنند از این رو کتابهایشان آکنده از طعنه‌ها و عیب شمردن اعجاز قرآنی است، که برای مقابله با آنها فرصتهای فراوانی برای فعالیت مشترک در زمینه تحقیق علمی نیاز است.

4. بسیاری از مفسران در اینجا و مکانهای دیگر با برخی از مریدانشان جلساتی را برگزار می‌کنند تا نظریه‌های خود را بر قرآن کریم تحمیل کنند و مبانی روشن معلومات قرآنی و سنت شریف را از قبیل عصمت و شفاعت و امامت و غیر آنها ریشه کن کنند و نظریه‌های شاذی را گرد آوری و آنها را با روشهای جدیدی که سبب تناقض و مشکل نزد خوانندگان و شنوندگان نشان می‌شود ارائه می‌کنند. و همچنین زمینه‌های ایجاد شبهه و بدنامی و تهمت را به وجود آورده‌اند تا در درجه اول فکر مسلمان را مورد هدف قرار دهند، اینها اقداماتی است که نمی‌توان در برابر آنها سکوت کرد و به همفکری و طراحی روشهای موثری در برابر این ادعاهای پوچ نیازمند است.

5. کسانی‌اند که به حذف یا تغییر بعضی از روایت‌های وارد شده در منابع اهل سنت درباره اهل بیت(ع) می‌پردازند تا آن کتابها و منابع را بدون روایتهای پیامبر(ص) درباره اهل بیت سلام الله علیها چاپ کنند.

در این راستا سایتهای الکترونی برای فراگیران علم راه اندازی شد و افراطیون در آنها به ارائه واقعیتهای تاریخی به شکلی وارونه پرداختند چون حادثه غدیر و جریان سقیفه و تفسیر غلط حدیث(فاطمه بضعة منی من آذاها فقد آذانی): (فاطمه پاره تن من است هر کس که او را آزار دهد گویی مرا آزار داده است) با ادعای اینکه حضرت علی(ع) نهی شده بود که با کسی جز فاطمه (س) ازدواج نکند و غیره.

در اینجا نقش قرآنیون در اصلاح این مسیر با شفاف سازی تحقیقات علمی اهمیت می‌یابد، از آنجایی که این ادعاها و اقدامات تحریفی منجر به نابودی واقعیت علمی می‌شود و هر پژوهشگر میانه رو و غیر افراطی‌ای با آن مواجه خواهد شد، باید در مقابل همچنین اقداماتی با روش علمی مقابله کرد.

6. سیاستی که از انتشار فرهنگ قرآنی مکتب اهل بیت در بیشتر زمینه‌ها خودداری می‌کند، و بیشتر از آن فعالیت‌های اندک صورت گرفته در راستای مکاتب تفسیری و عدم تبلیغ آنها به طور گسترده سبب شده است که فضاهای خالی موثری در فکر مسلمان ایجاد شود و لازم است که این جاهای خالی با گسترش سایت‌های الکترونیکی سودمند و کتاب مفید و فعالیت‌های سالم علمی پر شود، بی تردید احیای مکاتب تفسیری اهل بیت به شکل گسترده‌ای در دفع شکاف میان مذاهب‌های اسلامی موثر است و باید برای معرفی این مکتب تلاش‌های واقعی شود تا همه توهمات و شبهاتی که دشمنان در کمین آن هستند در مسیر وحدت مسلمانان خنثی شود.

7. شبکه‌های ماهواره‌ای که به ارائه فرهنگ قرآنی می‌پردازند از آنجایی که میلیون‌ها بشر را مخاطب قرار می‌دهند، باید از دقت علمی و اصلاحات و توجه و دقت و شفافیت بیشتری برخوردار باشند زیرا سبب شکل‌گیری تفکراتی در میان مخاطبان می‌شوند که به تلاش بیشتر در جهت بیان واقعیت و اصلاح آن نیاز است.

8. حمایت گسترده‌ای از تلاش‌های افراطیون در مذاهب اسلامی برای تمرکز بر موارد اختلاف و کمرنگ کردن موارد اشتراک به وجود آمده و در این راستا هزینه‌های هنگفتی شده است و فعالیت‌های رسانه‌ای نیز در ماهواره‌ها و سایت‌های الکترونیکی و کتابها در بارور کردن آنها تلاش می‌کنند تا جایی که اوج این فعالیت‌ها به فتوای تکفیری هم رسیده است، مفاد قرآنی نقش قابل توجهی در رویارویی با این منحرف‌کننده‌های مبانی حقیقی علم دارند. همچنین در اینجا در تبیین معنای صحیح معلومات قرآنی نیاز مبرمی به قرآنیون می‌باشد و باید با استفاده از همان ابزارهای اعمال شده در جبهه مقابل به کار گرفته شود، زیرا هدایت منتشر نمی‌شود مگر از جایی که گمراهی رواج یافت، خداوند سید شرف الدین را رحمت کند.

9. بی‌توجهی‌های فراوانی که در محیط خانواده نسبت به قرآن شده است این است که قرآن کریم در داخل خانواده و در میان فرزندان کم‌رنگ شده است تا جایی که هیچ تلاش و توجهی به قرآن کریم نمی‌شود و این در ذات خود مسئله‌ای بحرانی است که منجر به تشکیل خانواده ضعیف قرآنی می‌شود. بنا بر این نقش تقریبی در رسالت قرآنی‌شان این است که خانواده‌ای صالح و نسل‌هایی پاک سرشت تشکیل دهند و این

مهم با تکیه بر روش مذهبی معینی به وجود نمی‌آید بلکه با معنویت قرآن و امکان پذیر است.

10. اگر خوب دقت کنیم چالش‌های دیگری می‌یابیم که نیازمند توجه بیشتر است ولی آنها را به پژوهشگران دیگر و فرصت‌های دیگر اختصاص می‌دهیم.

والحمد لله رب العالمین

[1] - سورة هود: 120.